

موضوع توصیف و اظهارنظر درباره ویژگی‌ها و دنیای نسل نوجوان و جوان دهه هشتادی، با وجود نبود مطالعات جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و تربیتی جدی درباره ایشان در ایران، بازار داغی دارد. گویا همگان، بدون ارائه دلایل و تحلیل‌های علمی، خود را به ارائه تعریف و توصیف جنبه‌های مثبت و منفی این نسل مجاز می‌دانند. عده‌ای در وصف این نسل یکسره با رویکرد منفی‌بافی، ایشان را نسلی مخاطره‌آمیز و غیرقابل تربیت و ناکارآمد برای آینده جامعه و رها در خوشی‌ها و لذت‌های خود می‌دانند و عده‌ای هم در جهت مقابل، ایشان را نسلی دارای ویژگی‌های یکسره مثبت و فوق‌العاده می‌دانند که اشتباه‌های نسل‌های پیش از خود را تکرار نخواهند کرد و زندگی‌ای سرشار از موفقیت و خوشی دارند و آینده جامعه با ایشان کمترین مشکل را خواهد داشت!

واقعیت این است که ما برای شناخت صحیح این نسل و توصیف درست ایشان و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و آموزشی برای نسل نوجوان و جوان حاضر، ناگزیر به انجام مطالعات علمی و روشمند هستیم تا بتوانیم از ویژگی‌ها و تفاوت‌های این نسل با گذشته درک درستی به دست آوریم و در مواجهه با ایشان دچار افراط و تفریط و خطا نشویم. اما و متأسفانه در کشور ما محققان حوزه‌های علوم انسانی مطالعه چندان جدی، عمیق، طولی و روشمندی در باب این نسل نداشته‌اند تا نتایج آن پیش روی تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان قرار گیرد تا آن‌ها بتوانند با شناخت صحیح و علمی درباره آن‌ها برنامه‌ریزی کنند.

بر همین اساس است که بسیاری از برنامه‌های فرهنگی و تربیتی برای این نسل دچار آزمون و خطا و به‌طور عمده هم کمتر به نتایج برنامه‌ریزی شده منتج می‌شود! عمده مطالب و ادبیات تولیدشده در باب ویژگی‌های این نسل، حاصل مشاهده و تجربه‌های شخصی و تحلیل‌های سطحی و مبتنی بر دلالت‌های ضعیف یا با ابتنا بر حدس و گمان و اما و اگر است که مسلم است نمی‌توانند راهنمای مناسبی برای تصمیم‌گیری باشند. نشناختن ویژگی‌ها و نبود درک مشابهِت‌ها و تفاوت‌های نسل زد با نسل‌های پیشین موجب می‌شود نسل‌های قبل که به‌طور عمده تصمیم‌گیرندگان اصلی هستند، دچار خطاهای راهبردی



نسلی که باید از نو شناخت

ایشان نیست، یا این‌ها کجا و نسل ما کجا و ما چنان بودیم و ایشان هرگز دغدغه‌ها و مسئولیت‌پذیری‌های ما و پرتلاشی و درک و فهم و ادب نسل ما را ندارند، متمایل است! اما به واقع چرا چنین است؟ معیار و میزان و استاندارد و صلاحیت‌هایی که ما بر اساس آن‌ها به قضاوت نشستیم، چه هستند و چه کسی آن‌ها را تأیید کرده است؟ اصلاً مگر بناست این نسل شبیه نسل ما باشد تا او را بپذیریم و تأیید کنیم؟ مگر نسل ما نسل معیار است؟

واقعیت این است که در عرصه فرهنگی و تربیتی باید علاوه بر شناخت ویژگی‌های این نسل به شکل عمیق و درست، به این مهم توجه داشته باشیم که قرار نیست ما نسلی شبیه به خود در دنیایی متفاوت از دنیایی که ما در آن متولد شدیم و رشد کردیم تربیت کنیم! این نسل نوجوانان و جوانانی هستند با اقتضائات زمانه خودشان، که صرف تعلق به این زمانه، نه آن‌ها را مثبت می‌کند، نه منفی. آنچه ایشان را صاحب برجسب نیک و بد می‌کند، معیارها و شاخص‌های بینشی، انگیزشی و رفتاری برآمده از متن و بطن فرهنگ ایرانی اسلامی است، نه آنچه من نویسنده این سطرها تعیین می‌کنم!

با مراجعه به توصیف‌هایی که رهبر معظم انقلاب از این نسل دارند و با مراجعه به واقعیت‌ها و حقیقت‌های پیرامونمان در باب کم و کیف اندیشه‌ورزی و کنشگری این نسل در موقف‌های گوناگونی چون اعتکاف، حضور در محافل دینی و مذهبی، پیاده‌روی اربعین و امثال آن‌ها، به لحاظ دینی و ظهور و بروز ایشان در مناسبت‌های ملی و حس تعلق و میهن‌دوستی این نسل در کنش‌ها و واکنش‌های دنیای حقیقی و مجازی، می‌توان بیشتر به این معنا پی برد که به شدت نیازمند بازاندیشی عالمانه درباره این نسل هستیم و اگر مبتنی بر دقت نظرهای علمی برنامه‌ریزی شود، حتماً می‌توان برای آینده ایران به این نسل امیدوارتر بود.

شوند و انرژی خود و ظرفیت شگفت‌انگیز نسل نوجوان و جوان را هدر دهند. بر مبنای همین نبود شناخت روشمند، نوعی نبود آمادگی در مواجهه تربیتی، فرهنگی و آموزشی با این نسل دامن‌گیر ما معلمان و والدین شده است و تقریباً همه ما غافلگیر شده‌ایم!

طبیعی است برای شناخت این نسل باید به فضایی که آن‌ها در آن متولد شده و رشد یافته‌اند و تفاوت این فضا با گذشته، توجه کافی داشت، این نسل به‌طور عمومی در خانواده‌هایی تک‌فرزند متولد شده و رشد کرده‌اند، به خوبی (و حتی بیش از قدر لازم!) از ایشان مراقبت شده و امکانات در اختیارشان بوده، به کتاب و منابع اطلاعاتی به سهولت و کثرت دسترسی داشته‌اند، از ابتدای زندگی (یا دست‌کم از شروع دوران تحصیل) برایشان اهداف و افق‌های مهمی طراحی شده (توسط والدین!).

یکی دیگر از عواملی (تأکید می‌شود یکی از عوامل و شاید هم مهم‌ترین عامل) که در شناخت این نسل باید بدان توجه جدی داشت، ورود اینترنت به عرصه جهانی در سطح دسترسی عمومی است. اگر شروع دسترسی عمومی به اینترنت را سال ۲۰۰۰، یعنی حدود ۱۳۷۹ در نظر بگیریم، نسل Z با دهه هشتادی‌های ما منطبق می‌شود. اما اگر بخواهیم موضوع گوشی‌های هوشمند را در نظر بگیریم، باید شروع را در حدود سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) در نظر بگیریم که سال ورود گوشی هوشمند به ایران است. این یعنی بدون شناخت دنیای رایانه‌ای و مجازی و چگونگی زیست دوم نوجوانان و جوانان معاصر در این دنیا، در تحلیل صحیح از این نسل چندان توفیقی نخواهیم داشت. بر همین اساس، مطالعات میان‌رشته‌ای باید به کمک تحقیقات علوم انسانی محض بیاید تا بتوان متناسب با پیچیدگی‌های این نسل، چراغ تحقیقاتی چندوجهی و پیچیده را برای شناخت عمیق و دقیق از ایشان روشن کرد.

در یادداشت مجله شماره ۲ (آبان ۱۴۰۲) به ۳۰ ویژگی از صفات این نسل پرداختم که از همین دسته تحقیقات اندک برآمده‌اند؛ البته با نگاهی به حاصل تحقیقات جهانی، که مجموعه‌ای از نکات مثبت و منفی ایشان بود. هدف از آن یادداشت این بود که مخاطبان بیشتر متوجه این معنا بشوند که نگاه یکسره منفی یا یکسره مثبت به نسل اشتباه است و باید واقع‌نگر بود و هر دو وجه را شناخت. بر همین اساس، مجموعه‌ای از ویژگی‌های این نسل ارائه شد، اما طرفه اینجاست که گویا جهت‌گیری نسل ما (معلمان با سابقه ترونده شصتی‌ها و قبل‌تر) بیشتر به سمت توصیف منفی از این نسل و ارائه تحلیل‌هایی دال بر اینکه امیدی به